پشت بوم

فرهنگ یا ارشاد، مسئله این است

حسین هاشم‌پور

● چهار دهه است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از دو سوی مختلف با نقد جدی مواجه است؛ عده‌ای که به قید «فرهنگ» آن چشم دارند، آن را در اعمال حقوق جامعه فرهنگ و هنر، به عنوان زیرمجموعه حقوق شهروندی، ناکارآمد خوانده و از رفتار «یکی به نعل و یکی به میخ» مدیران آن به ستوه آمده‌اند. اگر وزارت فرهنگ، شجاعت نظرسنجی در میان هنرمندان و نویسندگان را بیابد و از آنها بپرسد از تلاش ۳۸ساله این وزارتخانه راضی هستند یا خیر، به‌حتم با آماری خیره‌کننده مواجه خواهد شد که از دلسردی و ناامیدی‌شان حکایت دارد.

اما دسته دوم که به قید «ارشاد» نظر دارند نظارت این وزارت در آفرینش‌های هنری را ناکافی و آن را توأم با تساهل و تسامح می‌دانند. جالب اینجاست که این زاویه نگاه حتی وزارت ارشاد دولت نهم را که وزیرش از مشرب فکری خاصی از فرهنگ تبعیت می‌کند هم در انجام رفتار نظارتی ناموفق قلمداد می‌کند.

یک- نظرسنجی میدانی در آرای منتشرشده از این دو سو، روشن می‌کند دسته نخست اهالی فرهنگ و هنر و دسته دوم عمدتا کنشگران سیاسی هستند که دغدغه فرهنگی دارند اما در خلق آثار هنری دستی ندارند؛ البته چهره‌هایی مانند مرحوم فرج‌الله سلحشور هم بودند و هستند که هم هنرمندند و هم خواهان اعمال جدی‌تر بعد نظارتی ارشادند اما شمار آنها زیاد نیست یا دست‌کم رسانه‌ای نشده‌اند؛ تازه این هنرمندان هم در بسیاری مواقع از توانمندنبودن وزارت ارشاد در قبال توسعه زیرساخت‌ها یا بوروکراسی‌های تاریخ‌مصرف‌گذشته گلایه‌ها کرده‌اند.

دو- نارضایتی توأمان این دو گونه تفکر، خود گواه دشواری‌های کار در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است اما نکته اینجاست که در آستانه ورود به پنجمین دهه جمهوری اسلامی، این وزارتخانه باید تصمیمی تاریخی بگیرد و بنا به مسئولیت واضحش در امور هنر و فرهنگ، تعیین کند سمت هنرمندان می‌ایستد یا بنا به مصلحت‌های تمام‌نشدنی اداری میان هنرمندان و دلواپسان سیاسی، تلوتلو خواهد خورد. جامعه هنری مانند جامعه ایرانی پوست انداخته و از تعارفات سنتی فاصله گرفته است؛ کافی است دیدگاه‌های هنرمندان در شبکه‌های مجازی را رصد کنیم؛ آنها خواهان شفافیت و اعمال قانون هستند، دیگر حاضر نیستند به دلیل شناخت‌نداشتن جمعی دلواپس از خصوصیات هنر، نهاد پشتیبانشان کوتاه بیاید؛ هنرمندان ایران ۱۴۰۰ معتقدند عمرشان کوتاه‌تر از آن است که با کوتاه‌آمدن‌های وزارت فرهنگ، آفرینش‌های هنریشان را دچار لکنت کنند؛ برای مثال دلواپسان مستمر گلایه داشتند چرا جامعه هنری برای حماسه عاشورا اثری به‌اصطلاح Big Production نساخته اما سه سال است «روز رستاخیز» احمدرضا درویش با ملاحظه‌کاری‌های وزارت فرهنگ، خاک می‌خورد؛ یا به‌جای حل دومینوی لغو کنسرت‌ها، سخنگوی اسبق می‌گفت فقط دو درصد از کنسرت‌ها لغو می‌شوند! ... حال آنکه انسدادها در عرصه فرهنگ و هنر که در برخی دولت‌ها تشدید هم می‌شود، ماحصل محافظه‌کاری دامنه‌دار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تمامی چهار دهه گذشته است که به‌جای حل مسئله، مصلحت‌اندیشی کرده است و همیشه از جامعه هنری و جریانات پرشتاب جهان هنر، عقب و عقب‌تر بوده است. دراین‌میان دور از انصاف است به این نکته اشاره نشود که گاه وزارت فرهنگ رویکردهای به‌روزی هم داشته؛ مانند سال‌هایی از دولت اصلاحات که به‌روشنی سمت هنرمندان ایستاده بود اما انگشت اشاره این مطلب، به برآیند کلی حرکتی این وزارتخانه است.

سه - «بیشتر فرهنگ کمتر ارشاد» عنوان این ستون در چهارم آبان بود، متنی که زمزمه جامعه فرهنگ و هنر درخصوص ضرورت تغییر نام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وزارت فرهنگ و هنر را اطلاع‌رسانی کرد؛ اما به گمانم تیتر آن روز من هم محافظه‌کارانه بود و بوی میخ و نعل می‌داد؛ واقعیت این است که برای بهبود شرایط فرهنگی کشور و استفاده از پتانسیل‌های شگرف هنر برای اعتلای ایران، باید در ساختار متولی اصلی هنر کشور یک جراحی اساسی انجام شود و با تمرکز بر فرهنگ و کوچک‌سازی چارت اداری عریض و طویل این وزارتخانه، مجموعه‌ای چابک با هدف توسعه زیرساخت‌ها فراهم آید. هنرمندان ما به‌یقین در شناسایی خط قرمز و میراث‌داری از ارزش‌های والای جامعه خبره‌تر از کارکنان وزارت فرهنگ هستند، فقط باید به آنها اعتماد کرد.

سفر نماینده جشنواره برلین به ایران، حاشیه‌ساز شد

ضبط چمدان فیلم‌های «لویکه» در فرودگاه

شرق: «آنکه لویکه» (Anke Leweke) نماینده جشنواره برلین مدت‌هاست که پیش از برگزاری جشنواره برلین برای دیدن آثار سینمای ایران و انتخاب آنها برای جشنواره به ایران سفر می‌کند. این سفر ۱۰ساله همیشه با هیاهویی خاص همراه بوده و بسیاری از کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینمای ایران سعی دارند در مدت اقامت او در ایران فیلم‌هایشان را معرفی کنند. برخی حضور او در ایران و انتخاب فیلم به این شکل را نوعی احترام جشنواره فیلم برلین به سینمای ایران می‌دانند و البته حضور پررنگ سینمای ایران در جشنواره فیلم برلین می‌تواند تا حدی گویای این موضوع باشد که همواره سینمای ایران جایگاهی خاص در این جشنواره شهیر بین‌المللی دارد. اما سفر «آنکه لویکه» این‌بار با حواشی بسیاری همراه بود. آنکه لویکه که مدتی قبل به همراه نوش‌آفرین دستوری، مترجم و مشاور برای انتخاب فیلم‌های ایرانی به کشورمان سفر کرده بود، صبح یکشنبه هفتم آذر زمانی که قصد ترک ایران را داشت، نتوانست ایران را ترک کند. ظاهرا در دقایقی پیش از پرواز و در آخرین چک در فرودگاه، پاسپورت دستوری از او گرفته می‌شود و در این وضعیت لویکه نیز تصمیم می‌گیرد سوار هواپیما نشود.

بعد از این مرحله، چمدان‌های هر دوی آنان بازرسی می‌شود. چمدان پر از فیلم لویکه از فیلم‌ها خالی می‌شود و آثاری که او برای بازبینی انتخاب کرده بود، از او گرفته می‌شود. به لویکه گفته شده بود مشکلی برای ترک ایران ندارد و از قرار معلوم او می‌باید دوشنبه هشتم آذر ایران را ترک کرده باشد. اما دستوری با وجود آنکه دارای پاسپورت آلمانی است و سال‌هاست به عنوان پزشک در آلمان زندگی می‌کند، فعلا تا زمانی که بررسی‌ها درباره او صورت بگیرد، امکان خروج از ایران ندارد و پاسپورت او ضبط شده. دستوری، با تأکید بر اینکه هیچ دلیل روشنی به او اعلام نشده به «سینماسینما» گفت: «ساعت پرواز ما ۷:۱۰ صبح یکشنبه هفتم آذر بود. همه امور به شکل طبیعی پیش رفته بود تا آنکه در مرحله چک نهایی، اجازه داده نشد من سوار هواپیما شوم». او ادامه داد: «وقتی خانم آنکه با شرایطی که برای من به وجود آمده بود روبه‌رو شدند، تصمیم گرفتند سوار هواپیما نشوند».

دستوری افزود: «من سال‌های سال برای امور مربوط به جشنواره به ایران می‌آمدم و هیچ‌گاه مسئله‌ای برایم ایجاد نشده بود. امسال این چهارمین‌بار بود که به ایران آمده بودم و برای همین سؤال بزرگی در ذهن دارم که دلیل ضبط پاسپورت من چه می‌تواند باشد».او در پاسخ به اینکه بعد از آنکه موفق به حضور در پرواز نشد، چه اقدامی انجام داد، گفت: «مراحل قضائی را طی کردم

عکس: Gettyimages

و دو، سه ساعتی هم به برخی سؤال‌ها پاسخ دادم. با وجود آنکه برخوردها در جریان این سؤال و جواب‌ها با من خیلی خوب بود، اما در نهایت وقتی از آنان پرسیدم وضعیتم چطور خواهد شد، جواب دادند فعلا باید در ایران برای ادامه بررسی‌ها منتظر باشم».

بعد از آنکه، آنکه لویکه و دستوری از پرواز بازماندند، چمدان‌های آنان بررسی شدند که در این مرحله فیلم‌های موجود در چمدان لویکه ضبط شد. دستوری درباره وضعیت این فیلم‌ها گفت: «فیلم‌ها از ما گرفته شد و اصلا نمی‌دانیم چه شرایطی دارند».به گفته دستوری این موضوع نیاز به بررسی بیشتر دارد و ظاهرا چند روز آینده خبرهای بیشتری درباره جزئیات چرایی پروازنکردن او به آلمان منتشر خواهد شد. دلیل اصلی اینکه چرا لویکه و مترجمش در سفر اخیر با مشکل مواجه شده‌اند، خیلی مشخص نیست اما ظاهرا وجود فیلمی از یکی از کارگردان‌های سینمای ایران که فاقد مجوزهای لازم بوده، دلیل توقیف این فیلم‌ها بوده است. هنوز اطلاعات دقیقی دراین‌باره در دست نیست و به‌زودی ابعاد دیگری از این اتفاق مشخص خواهد شد.

جشنواره فیلم برلین از آن دست جشنواره‌هایی است که هر سال سینمای ایران نقش پررنگی در آن ایفا کرده و جوایز معتبری از این جشنواره را به خود اختصاص داده است. سال گذشته سینمای ایران با چهار نماینده حضور پررنگی در جشنواره فیلم برلین داشت. علاوه بر فیلم سینمایی «اژدها وارد می‌شود» ساخته «مانی حقیقی» در بخش رقابتی، «لانتوری» به کارگردانی «رضا درمیشیان» در بخش پانورما، دو فیلم «رویای دم صبح» ساخته «مهرداد اسکویی» و «والدرما» اثر «مجید برزگر» برای مخاطبان جوان، به نمایش درآمدند.

لویکه کیست؟

آنکه لویکه، متولد ۱۹۶۲ در دوسلدورف آلمان است و در رشته حقوق در برلین تحصیل کرده. از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ در یک رادیوی محلی در یک برنامه فرهنگی مشارکت کرد و پس از آن بدل به یک منتقد سینمایی آزاد شد و در نشریات مختلف و برنامه‌های تلویزیونی قلم زد. او از سال ۲۰۰۲ عضو هیأت انتخاب بخش مسابقه و نیز بخش انجمن بین‌المللی فیلم جوان جشنواره برلین است. لویکه هر سال با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایران سفر و مدتی برای تماشای خیل عظیم فیلم‌های ایرانی در کشورمان اقامت می‌کند. او به عنوان نماینده رسمی جشنواره فیلم برلین تعدادی فیلم را برای شرکت در این رقابت سینمایی انتخاب می‌کند و البته معیار انتخاب این فیلم‌ها داشتن مجوزهای لازم و قانونی از وزارت ارشاد برای ارسال آنها به جشنواره فیلم برلین است.

افق مبهم سینمای جشنواره‌ای؟

ضبط «چمدان» نماینده جشنواره فیلم برلین می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد. یکی از آنها شاید در راستای قطع رویه بلندمدت سینمای جشنواره‌ای در ایران تفسیر می‌شود. البته سایر جشنواره‌های معتبر دنیا برای انتخاب فیلم‌ها به شیوه جشنواره برلین عمل نمی‌کنند و عموما فیلم‌سازان به شکل مستقیم با پرکردن فرم ورودی در آنها شرکت می‌کنند. بسیاری نسخه DVD یا VHS فیلم را برای بازبینی از طریق پست ارسال می‌کنند. با شروع سال جدید میلادی، سینمای ایران حضور خود را با فیلم‌های جدید در جشنواره‌های خارجی شروع می‌کند. هر سال در ماه فوریه «جشنواره بین‌المللی فیلم برلین» به عنوان یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی برگزار می‌شود. این جشنواره در کنار «کن» و «ونیز» در قاره اروپا اهمیت بسزایی دارد. به نظر می‌رسد با توجه به اتفاقی که یکشنبه نهم آذر در فرودگاه امام افتاد، باید منتظر ماند و دید سینمای ایران امسال هم در این جشنواره حضور پرباری خواهد داشت یا خیر.

حسن فتحی و سعید راد مصائب شبکه نمایش خانگی را بررسی کردند

نمایش خانگی، رسانه مکمل سینما

شرق: نزدیک به یک دهه از حضور شبکه نمایش خانگی در سوپرمارکت‌های ایران می‌گذرد؛ رسانه‌ای که برای عرضه محصول خود، دردسترس‌ترین گزینه را انتخاب کرد؛ عرضه در سوپرمارکت‌ها و کتاب‌فروشی‌ها؛ لوح‌های فشرده‌ای که خیلی زود مخاطبان چند ده‌هزارتایی و حتی صدهزارتایی پیدا کردند. به‌این‌ترتیب در مدت کوتاهی بازار پرمخاطبی برای این رسانه مهیا شد. سینمای خانگی در همان آغاز کار با حضور چهره‌هایی چون مهران مدیری و محمدحسین لطیفی در این مدیوم اوج گرفت و تب تندی پیدا کرد؛ تب تندی که به نظر درست هدایت نشد و خیلی زود بازار سینمای خانگی به تصرف فیلم‌های ضعیف و سریال‌های نیمه‌کاره درآمد و مخاطبان امیدوارش را ناامید کرد. سیلی از سی‌دی‌های بدون هواخواه، ویترین نیم‌بند همان سوپرمارکت‌ها را به تصرف خود درآوردند، چنان‌که این بازار نوظهور با ریزش مخاطب روبه‌رو شد. حالا اما با گذشت یک‌دهه از تولد شبکه نمایش خانگی، این وسیله ارتباط جمعی از آزمون‌وخطاهای خود گذر کرده و مدیریت و سیاست‌گذاری کارآمد در آن باعث شده اکنون در مسیر پیشرفت قرار گیرد؛ مسیری که از جهت تولید محتوا، توزیع فیلم و سوژه جذاب، بازار پرمخاطبی را برای شبکه نمایش خانگی فراهم آورد. هرچند این بازار در حوزه سریال‌سازی بیش از تولید و توزیع فیلم‌های سینمایی جلوه‌گری می‌کند، اما ذات این رسانه و دردسترس‌بودن آن فرصتی را در اختیار خانواده‌ها قرار داد که ارتباطشان را با سینما حفظ کنند؛ ارتباطی که در سال‌های اخیر به دلایل زیادی با سینما فاصله گرفته بود. این در حالی است که تکثیر و توزیع فیلم‌های روی پرده سینما در شبکه نمایش خانگی این محدودیت را برای خانواده‌ها جبران کرد. شاید همین شاخصه شبکه نمایش خانگی باعث شد بسیاری از هنرمندان و کارشناسان رسانه از شبکه خانگی به‌عنوان رسانه مکمل سینما یاد کنند. از سویی دیگر، در شرایطی که تلویزیون خصوصی در ایران وجود ندارد و صداوسیما هم چندان رغبتی به حضور صداهای تازه ندارد، این رسانه می‌تواند مفر اصلی برای روبه‌روشدن با مخاطبان باشد. شاید برای همین، کارگردان‌هایی چون کمال تبریزی، داوود میرباقری و حسن فتحی به سراغ این رسانه آمده‌اند. توسعه شبکه نمایش خانگی در ایران در شرایطی در حال تحقق است که اساسا این نوع از توزیع محصولات تصویری در بازار عرضه جهانی غالبا درخصوص فیلم‌های سینمایی تعریف شده و ادامه یافته است. به‌عبارتی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مجموعه‌ها و سریال‌های تلویزیونی بخش خصوصی در این حیطه کمتر ورود کرده و از امکان تلویزیون کابلی که دهه‌هاست اصلی‌ترین مسیر ورود به بازار نمایش محسوب می‌شود، بهره برده و می‌برند. این تکنولوژی در دهه اخیر با توجه به سرعت پیشرفت فناوری ارتباطات و دسترسی بیشتر و سریع‌تر به اینترنت، به تکنولوژی «تلویزیون با پروتکل اینترنتی» یا

حسن فتحی

سعید راد

IPTV و نیز دریافت و تماشای تلویزیون به‌ازای درخواست یا VOD تغییر و توسعه‌یافته است. در ایران با توجه به ملاحظات قانونی درخصوص تأسیس شبکه‌های تلویزیونی کابلی، پس از مدت‌ها انفعال این خلأ از سوی شبکه نمایش خانگی پر شد و امکانی که برای درآمدزایی بیشتر فیلم‌های سینمایی طراحی شده بود، به بستری برای تولید و توزیع مجموعه‌های تلویزیونی نیز تسری داده شد. محرک اولیه در این حوزه تلویزیون بود که به عرضه گسترده سریال «قهوه تلخ» در بازار نمایش خانگی انجامید و سپس با مجموعه‌ها و برنامه‌های متنوعی به شکل جُنگ، طنز، شوخی با هنرمندان و در مواردی برنامه‌های کپی‌شده از نمونه‌های موفق خارجی ادامه یافت. تولید محصولات نمایشی و مجموعه‌سازی با حفظ حرمت‌ها و محذوریت‌های نمایشی، این رسانه را به عرصه‌ای تبدیل کرده تا در فرصت باقی‌مانده، دست‌اندرکاران این بخش بتوانند دستاوردها و نتایج مطلوبی را تجربه کنند. درمجموع، تجربیاتی از این دست می‌توانند با حفظ مسیر درست و جلوگیری از افت کیفیت در کارهای بعدی، اعتماد مخاطبان را به این شبکه بیشتر کنند تا انگیزه هنرمندان برای ساخت آثار باکیفیت برای عرضه در این شبکه بیشتر شود.

این روزها در آستانه برگزاری جشنواره ویدئویی فیلم یاس هستیم؛ جشنواره‌ای که به تولیدات شبکه نمایش خانگی اختصاص دارد و امسال با برگزاری چهارمین دوره خود، به نظر جانی تازه گرفته و خبرساز شده است؛ خبرهایی که باعث شد، نظر دو هنرمند را درباره چندوچون ساخت سریال، بازار شبکه نمایش خانگی و اهمیت برگزاری جشنواره ویدئویی فیلم یاس جویا شویم.

افزایش توانایی جذب مخاطب

حسن فتحی که سال گذشته سریال شهرزاد را برای شبکه نمایش خانگی کارگردانی کرد، در گفت‌وگو با «شرق» به اهمیت توجه به ذائقه مخاطب اشاره می‌کند و می‌گوید: مخاطب به جدیدترین آثار نمایشی جهان دسترسی دارد و ما هم در سریال‌سازی، برای جلب نظر مخاطب باید توانایی خود را در زمینه‌های مختلف افزایش دهیم. کارگردان سریال «میوه ممنوعه» درباره اهمیت کسب دانش مخاطب‌شناسی برای رونق شبکه نمایش خانگی، گفت: مخاطب امروز مشکل‌پسند است و ما نباید بی‌اعتنا به ذائقه نمایشی مخاطب ایرانی اثری را خلق کنیم.

او ادامه داد: در وهله اول باید درباره مخاطب امروز مطالعه کنیم. مشکل این است که گاه در مخاطب‌شناسی دچار اشتباه می‌شویم و فراموش می‌کنیم با مخاطبی سروکار داریم که با ۲۰ سال پیش فرق کرده است. کارگردان سریال «پهلوانان نمی‌میرند» با اشاره به تغییر ذائقه مردم در استقبال از آثار نمایشی، گفت: مثلا ۲۰ سال پیش من «پهلوانان نمی‌میرند» را ساختم که طرفداران زیادی داشت و موقع پخش آن شهر خالی می‌شد، اما من به‌عنوان یک کارگردان نباید مسیر ۲۰ سال پیش را بروم. در آن دوران تلویزیون دو شبکه داشت و شبکه ۳ در حال راه‌اندازی بود. اگر این تصور به من دست دهد که هرچه بسازم مردم می‌بینند، اشتباه است.

فتحی درباره جدی‌گرفتن خواسته‌های روز مخاطب، افزود: هنرمند باید هرروز دانش و توانایی خود را در حوزه‌های فیلم‌سازی، کارگردانی و بازیگری بالا ببرد.

مخاطب، بهترین سریال‌های روز جهان را نگاه می‌کند، آخرین فیلم‌ها و سریال‌هایی را که در آمریکا یا کشورهای اروپایی تولید می‌شود می‌بینند. همچنین قدرت انتخاب رایگان مردم بیش از گذشته شده است.

او ادامه داد: مثلا در یک خیابان که یک یا دو گل‌فروشی وجود داشت و حالا مجموعه‌ای از فروشگاه‌های گل را با جدیدترین متدهای گل‌سازی باز کرده‌اند، در این موقعیت جدید ما نمی‌توانیم به سبک قدیم گل‌فروشی کنیم.

کارگردان سریال «مدار صفردرجه» درباره شبکه نمایش خانگی گفت: این رسانه بستر خوبی است و پتانسیل خوبی دارد، اما آسیب دیده است. زمانی که تصمیم گرفتیم شهرزاد را بسازیم، با موانع و دشواری‌های آن آشنا بودیم، می‌دانستیم به اعتماد مردم در شبکه رسانه خانگی خدشه وارد شده است.

فتحی با بیان راهکارهای جلوگیری از کاهش اعتماد مردم نسبت به شبکه نمایش خانگی، گفت: باید همه احساس مسئولیت کنیم. آن همکار محترم که یک اثر در دست می‌گیرد، فقط نباید به این فکر کند که قرار است از این کاری که می‌سازد، پول درآورد. باید به جذابیت اثرش و رونق‌بخشی شبکه نمایش خانگی هم فکر کند.

او ادامه داد: اگر من و تهیه‌کننده در یک مجموعه کارمان را خوب انجام دهیم و فیلم‌نامه خوب، تولید مناسب و کیفیت بالا باشد، اولین احساسی که به مردم دست می‌دهد، احترام است. مردم احساس می‌کنند این کار به آنها احترام گذاشته و برای اینکه یک اثر جذاب ببینند، هزینه شده است.

این کارگردان و نویسنده با اشاره به اهمیت حضور بخش خصوصی در رونق شبکه خانگی گفت: کشور ما امروز از نظر اقتصادی در شرایطی است که باید حضور بخش خصوصی را در سینما، سریال‌سازی و شبکه خانگی مغتنم بشماریم.

فتحی افزود: بخش خصوصی در تولید اثر تلویزیونی و سینمایی، فقط در حرف جدی گرفته می‌شود. همه در سینما و تلویزیون توافق دارند که بخش خصوصی باید وارد میدان شود. باید از بخش خصوصی حمایت شود. در حرف، همه متفق‌القول هستیم، اما پای عمل که به میان می‌آید، پراکندگی می‌بینیم.

جشنواره، شادی ایجاد می‌کند

سعید راد شبکه نمایش خانگی را رسانه‌ای جذاب می‌داند و در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کرد اگر فرصتی فراهم شود، دوست دارد در قالب یک سریال برای این رسانه نقش‌آفرینی کند.

بازیگر فیلم سینمایی «دوئل»، جشنواره فیلم یاس را در تقویت روحیه هنرمندان مؤثر برشمرد و گفت: بهادادن به این جشنواره باعث رشد و ارتقای سطح شبکه نمایش خانگی خواهد شد.

او در ادامه به محاسن برگزاری جشنواره هم اشاره‌ای داشت: «کلمه جشنواره از شادی و جشن می‌آید، همه جشنواره‌های هنری این خاصیت را دارند».

بازیگر سریال تلویزیونی «در چشم باد»، با تأکید بر اهمیت تشویق هنرمندان، توضیح داد: کار هنری با تشویق زنده می‌شود. اگر می‌خواهیم هنرمندان، شبکه نمایش خانگی را پویا و فعال کنند، باید جشنواره یاس را با شور و هیجان بیشتری برگزار و هنرمندان موفق را حسابی تشویق کنیم.

بازیگر سریال سرزمین کهن همچنین با تأکید بر اینکه در سال‌های اخیر فیلم‌سازان مطرح به شبکه نمایش خانگی اعتبار بخشیده‌اند و با تشویق این هنرمندان می‌توان باقی فیلم‌سازان صاحب‌نام را هم به این رسانه دعوت کرد، خواستار توجه بیشتر مدیران و هنرمندان به این حوزه برای افزایش رضایت مردم شد.

بازیگر فیلم سینمایی «چ»، با مقایسه فیلم‌سازی در شبکه نمایش خانگی و سینما گفت: این رسانه مکمل سینماست و نباید احساس رقابت بین این دو رسانه ایجاد شود. شبکه نمایش خانگی جایگاه خود را دارد و حتی از نظر فروش می‌تواند به سینما کمک کند.

راد با اشاره به تولید آثار باکیفیت در شبکه نمایش خانگی، گفت: مخاطب امروز به دنبال آثار خوش‌ساخت است و اگر شبکه نمایش خانگی تولیداتش را در سطح استاندارد حفظ کند، بدون‌شک مخاطبان از آن استقبال می‌کنند.

چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم یاس به دبیری سیدمصطفی ابطحی، ۲۲ تا ۲۶ آذر در شهر رامسر برگزار می‌شود.

چهره روز

شجریان «هوای گریه» را در استرالیا خواند

● همایون شجریان در استرالیا کنسرت «هوای گریه» را اجرا کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط‌عمومی ستاد برگزاری هفته دوستی ایران و استرالیا، کنسرت همایون شجریان با عنوان «هوای گریه» که در چند روز گذشته در شهرهای پرت، بریزبن، سیدنی و ملبورن استرالیا اجرا شد، با استقبال علاقه‌مندان به موسیقی سنتی ایران روبه‌رو شد.

این کنسرت که در راستای دیپلماسی عمومی به‌واسطه هنر و فرهنگ برگزار شد، مورد توجه فرهیختگان و هنردوستان فارسی‌زبان در کشور استرالیا قرار گرفت.

این برنامه پیش‌درآمد برگزاری هفته دوستی ایران و استرالیاست که قرار است از ۲۰ تا ۲۶ فوریه در شهر ملبورن و ششم تا ۱۲ مارس در سیدنی برگزار شود.

زیر آسمان فیروزه ای

تابلوهای سرد و سفید برای روزهای برفی تهران

● **شرق:** نگارخانه ایوان این روزها میزبان نمایشگاه «جای دیگر» است که جایی سرد و سفید را زیر بار سکوتی وهم‌انگیز روایت می‌کند. این سومین نمایشگاه انفرادی وحید امینی است. او در ۲۳ تابلو اتوپیا و مناظری گنگ را ترسیم کرده که در فضایی سرد و خاموش، هم‌زمان حسی از آرامش و تشویش را به مخاطب القا می‌کند. آنچه را در تابلوهای امینی دیده می‌شود، می‌توان تابلویی آبستره از ترکیب رنگ‌های خاکستری دانست و از سوی دیگر می‌توان آنها را مناظری از کوهستان پوشیده از برف دید.

تابلوهای سفید و سرد او که در هوای برفی پاییز تهران به نمایش درآمده‌اند، مناظری عظیم را نشان می‌دهد که در سکوتی سنگین فرو رفته است. جالب است که هنرمند می‌گوید این آثار را از سفری به جنوب ایران و شرکت در کارگاه نقاشی در روستای باستانی لافت- قشم الهام گرفته و دو سال تمام برای خلقشان زمان گذاشته است.

گفتنی است درصد متعلق به گالری از محل فروش این آثار به «مؤسسه نیکوکاری کمک» اهدا خواهد شد که کتایون ریاحی، بازیگر شناخته‌شده، مؤسس آن است و به کودکان ناشنوایی که نیازمند کاشت حلزون گوش هستند، یاری می‌رساند.

گالری ایوان در نمایشگاه‌های قبلی سهم خود از فروش آثار هنری را به خیریه‌های محک، نیکان، کمک، دهش‌پور، انجمن حمایت از کودکان کار و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد اهدا کرد. نمایشگاه «جای دیگر» تا اول دی در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره یک برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند هر روز به جز شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.

رونمایی آلبوم «بیدل» با صدای «حمید خزاعی»

● **شرق:** آلبوم «بیدل»، اثری از «علی ربانی‌فر» با آواز «حمید خزاعی»، خواننده موسیقی ایرانی کشورمان و تنظیم «بابک شهرکی»، ۱۲ آذر در فرهنگ‌سرای «ارسباران» رونمایی خواهد شد. «بابک شهرکی»، فرزند هنری استاد همایون خرم و نوه هنری استاد ابوالحسن صبا، تحصیلات خود را در رشته موسیقی گذرانده و در بسیاری از آثار پرمخاطب موسیقی ازجمله رسوای زمانه، مهرگان، غوغا و اشک من هویدا شد، به‌عنوان تک‌نواز، آهنگ‌ساز و تنظیم‌کننده حضور داشته است. علی ربانی‌فر (متولد ۱۳۶۹-تهران) دانشجو در رشته دندان‌پزشکی، فراگیری موسیقی را از سال ۱۳۸۲ نزد استاد سیاوش پورفضلی به شیوه کیوان ساکت آغاز کرده و در زمینه آهنگ‌سازی و ترانه‌سرایی با هنرمندانی چون بابک شهرکی، علیرضا فریدون‌پور و شهریار بلوچستانی همکاری کرده است. «حمید خزاعی» متولد ۱۳۵۷ در اراک است. فراگیری آواز را به طور جدی از سال ۱۳۷۶ آغاز کرده و از همان آغاز، به آموختن سازهایی چون تنبک، سه‌تار و تار نیز پرداخته است. خزاعی با همکاری بابک شهرکی و امین سالمی در سال ۱۳۸۷ ارکستر آکادمیک تهران را با عنوان اولین و بزرگ‌ترین ارکستر خصوصی ایران تأسیس کرد و تاکنون با این مجموعه به بیش از ۴۰ اجرا پرداخته است. همچنین با صدای این خواننده آثاری چون «فصل سرد»، «باهم» و «اشک بهار» منتشر شده است. این اثر از سوی مؤسسه فرهنگی و هنری «رادنو اندیش» منتشر خواهد شد و نشانی دقیق محل برگزاری آیین رونمایی آن خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، خیابان جلفا، فرهنگ‌سرای ارسباران است.